

بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی^۱

عباس تدینی* سید مصطفی کازرونی**

چکیده

تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف یکی از موضوعات چالش برانگیزی است که پس از پایان جنگ سرد و افزایش میزان مخصصات داخلی در چهارچوب نظام کنترل بین‌المللی بر تسلیحات مورد توجه قرار گرفت. نظام بین‌المللی حاکم بر کنترل تجارت تسلیحات متعارف در دو سطح بسیار متفاوت سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی اعمال می‌گردد. در وضعیتی که سازمان ملل متحد، بر مبنای نظام امنیت دسته جمعی خواستار دخالت بیشتر جامعه بین‌المللی در امر تجارت تسلیحات متعارف، رعایت حقوق بشردوستانه و شفافیت در این امر بوده است؛ در این پژوهش، نویسندگان به دنبال آن هستند که مشخص نمایند کدام نظام در حال حاضر بهتر می‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه بین‌المللی است.

واژه‌های کلیدی: تجارت تسلیحات متعارف، سازمان تجارت جهانی، سازمان ملل متحد.

* عضو هیئت‌علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

tadayoni@shirazu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شیراز

mostafakazeroni@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰

۱. مقدمه

در عصر حاضر، نگرانی عمده جامعه بین‌المللی از امکان گسترش افقی سلاح‌های متعارف، یعنی انتقال این سلاح‌ها به دول دیگر به دلیل به مخاطره انداختن صلح و امنیت بین‌المللی، بیشتر از گسترش عمودی آن‌ها، یعنی افزایش توانایی و قدرت دول اصلی تولید کننده آن سلاح‌ها، به چشم می‌خورد. کشورهای در حال توسعه، اصلی‌ترین دریافت کنندگان تسلیحات متعارف تلقی می‌گردند به گونه‌ای که از سال ۲۰۰۴-۲۰۱۱، به طور متوسط ۶۸/۶ درصد از کل موافق نامه‌های انتقال تسلیحات متعارف با کشورهای در حال توسعه منعقد شده است و این آمار در سال ۲۰۱۱ میلادی به ۸۳/۹ درصد از کل این نوع موافقت‌نامه‌ها رسیده است که ارزشی معادل ۷۱/۲ میلیارد دلار را نصیب کشورهای تولید کننده تسلیحات متعارف نموده است. روسیه و آمریکا به عنوان دو قدرت عمده تولید کننده تسلیحات متعارف در سطح جهان شناخته گردند. (Grimmett and Kerr, 2012:1).

در سطح جهانی، هم اکنون دو نظام متفاوت در تجارت تسلیحات متعارف حاکم است. از یک سو، نظام سازمان ملل متحد است که به ویژه پس از پایان جنگ سرد، خواستار حکم فرما شدن نظام امنیت دسته جمعی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی همراه با توجه به قواعد بین‌المللی بشردوستانه است در مقابل سازمان جهانی تجارت که با پذیرش مقررات زدایی و کاهش تصدی‌گری دولت‌ها، عملاً موجب حضور بیشتر شرکت‌های چند ملیتی و عدم التزام این شرکت‌ها و دولت‌های متبوع آن‌ها به رعایت موازین حقوق بشردوستانه، در انتقال سلاح، شده است. اگرچه بر طبق ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد تعهدات دول عضو بر طبق منشور بر همه تعهدات آن‌ها از جمله تعهدات آن‌ها بر طبق موافقت‌نامه‌های سازمان‌های جهانی تجارت مقدم است اما هم اکنون نظام مدون واحدی در جامعه بین‌المللی برای کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف وجود ندارد. در پایان بایستی گفت که این مقاله از هفت بخش کلی تشکیل شده است. پس از مقدمه، به تعریف، تقسیم بندی و پیشینه تنظیم بین‌المللی تسلیحات متعارف پرداخته شده است. در بخش سوم به بحث و بررسی نظام بین‌المللی حاکم بر کنترل بر تجارت

تسلیمات متعارف در سطح ملل متحد اهتمام ورزیده شده و عملکرد ارکان سازمان ملل متحد هم چون مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و دبیرکل ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است. بخش چهارم تحقیق حاضر به سازمان تجارت جهانی اختصاص پیدا کرده است. در این بخش به تحلیل قواعد موجود در سطح سازمان تجارت جهانی و چندین قضیه مربوط در باب تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف در رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی تمرکز شده است. در بخش پنجم مقاله به مقایسه دو نظام کنترل تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی پرداخته شده است و موضوعاتی هم چون مقایسه معیار امنیت دسته جمعی در سازمان ملل متحد با معیار امنیت ملی در سازمان تجارت جهانی، واقع بینی بیشتر نظام حاکم بر تنظیم بین‌المللی تجارت تسلیحات متعارف در سازمان ملل متحد و توجه به قواعد بین‌المللی حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر در تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف مورد بحث و مقایسه قرار گرفته است. در بخش ششم تحقیق حاضر به ضعف‌های مشترک در سطح هر دو سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در زمینه تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف به ارائه مطلب اقدام ورزیده شده است. بخش آخر تحقیق حاضر نیز به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها لازم اختصاص پیدا کرده است.

۲. تعریف، تقسیم بندی تسلیحات متعارف و پیشینه تنظیم بین‌المللی آنها

۲.۱. تعریف تسلیحات متعارف

به دلایل مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی از جمله ترجیح دول اصلی تولید کننده تسلیحات متعارف مبنی بر اجتناب از قالب بندی یک تعریف و تقسیم بندی دقیق در مورد تسلیحات متعارف، تعریف عام معاهداتی بین‌المللی در مورد تسلیحات متعارف وجود ندارد^۲ این عدم تعریف معاهداتی موجب شده است که در دکتترین حقوقی تعاریف مختلفی برای تسلیحات متعارف پیشنهاد شود از جمله اینکه برخی آن را تسلیحاتی دانسته‌اند که آثار آن محدود به میدان جنگ و زمان جنگ بوده و تنها

نظامیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲: ۹) برخی نیز تسلیحات متعارف را تسلیحاتی دانسته‌اند که کاربرد آن، شمار بسیار زیادی از انسان‌ها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و خسارات فراوانی به سازه‌های ساخت بشر یا محیط زیست وارد نمی‌آورد. (علیدوست، ۱۳۹۲: ۹) این‌گونه تسلیحات را از آن رو تسلیحات متعارف خوانده‌اند که از یک سو، نظام‌های دفاعی جهان با آن آشنا تر بوده‌اند و از سوی دیگر اگرچه تحولات عمده‌ای در پیشینه تولید و توسعه تسلیحات متعارف به وجود آمده است اما به لحاظ تاریخی و فرهنگی مردم با آن تسلیحات آشنا تر بوده و تفاوت‌های عمده‌ای در ماهیت آن‌ها ایجاد نشده است. (حکمت‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۷) نبود خصوصیت بارز میان تسلیحات قدیمی و جدید متعارف موجب شده است که حتی برخی در بیان مصادیق این گونه سلاح‌ها، آن‌ها را هم عرض تسلیحات قدیمی درآورند. برخی از تسلیحات متعارف، به عنوان تسلیحاتی که در سایر دسته‌های تسلیحات چون دسته تسلیحات شیمیایی، هسته‌ای و بیولوژیک نگنجد؛ یاد نموده‌اند. (Stohl & Grillot, 2013: 43) برخی نیز به جای ارائه تعریف به مصادیق تسلیحات متعارف پرداخته‌اند از جمله پیرین، سلاح‌های متعارف را سلاح‌های می‌داند که معمولاً در زمره سلاح‌های کوچک و سبک، بمب‌های غیرهسته‌ای، موشک‌ها، راکت‌ها و بمب‌های خوشه‌ای و همچنین مین‌های دریایی و زمینی قرار بگیرند. (Perrin, 2012: 117) با این حال، باید خاطر نشان ساخت که دولت‌ها در مورد تقسیم بندی تسلیحات متعارف با یکدیگر توافق عام ندارند و هر یک بر مبنای قوانین و آیین‌نامه‌های داخلی خود، معیارهای مختلفی را برای تعریف تسلیحات متعارف قرار می‌دهند. از جمله ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کرده است که تسلیحات متعارف به معنای تمامی مهمات، مواد، ابزار و ادوات یا وسایلی که دارای تأثیر آسیب زدن، خسارت آور بودن، نابود کردن یا ناتوان نمودن افراد یا اموال هستند؛ باشد. (قانون تضمین و حذف تسلیحات متعارف، بخش ۲۳۴۹، بند الف) در مجموع هنوز در سطح داخلی بسیاری از کشورها، تعریف مدونی از تسلیحات متعارف وجود دارد که این امر برخورد مؤثر با تجارت غیر قانونی تسلیحات متعارف را در سطح بین‌المللی با چالش مواجه نموده است.

علاوه بر عدم تعریف معاهداتی بین‌المللی از تسلیحات متعارف، در مورد مصادیق

بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف ... ۵

این نوع تسلیحات نیز در میان اسناد حقوقی بین‌المللی تشابه دید وجود ندارد چراکه در حالی که کنوانسیون پنجم لاهه راجع به حقوق و تکالیف دولت‌ها و اشخاص بی طرف در وضعیت جنگ زمینی مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ (Convention respecting the rights and duties of neutral Powers and Persons in case of war on land)، صحبت از تسلیحات و مهمات جنگی (ماده ۷) می‌نماید کنوانسیون ۱۹۱۹ سنت ژرمن راجع کنترل تجارت در تسلیحات و مهمات (Convention for the Control of the Trade in Arms and Ammunition, Saint-Germain-en-Laye) تنها به مهمات جنگی (ماده یک) اکتفا نموده است. از سوی دیگر، کنوانسیون ۱۹۲۵ راجع به نظارت بر تجارت بین‌المللی در تسلیحات و مهمات و در ابزارآلات جنگی (Convention for the Supervision of the International Trade in Arms and Ammunition and in Implements of War) صحبت از تنظیم تجارت (تسلیحات، مهمات و ابزارآلات جنگی که منحصرأً برای جنگ زمینی، دریایی و هوایی تعبیه و مورد قصد قرار گرفته باشد) می‌کند. برخی از اسناد بین‌المللی نیز به جای تعریف تسلیحات متعارف عملاً به دسته بندی آن‌ها مبادرت نموده‌اند از جمله آنکه طرح ثبت تسلیحات متعارف سازمان ملل متحد هفت نوع تسلیحات متعارف تانک‌های جنگی، وسایل رزمی زرهی، دستگاه‌های توپخانه با کالیبر بالا، هواپیماهای رزمی، بالگردهای تهاجمی، کشتی‌های جنگی، موشک‌ها و پرتاب کننده موشک‌ها و تسلیحات کوچک و سبک را در بر گرفته‌اند.

۲.۲. تقسیم بندی انواع تسلیحات متعارف

تسلیحات متعارف را می‌توان بر مبنای شدت تأثیرگذاری، انسان‌های به‌کارگیرنده و تلفات موجود در مخاصمات مسلحانه به انواع مختلفی تقسیم نمود اما در اینجا بر اساس طرح ثبت تسلیحات متعارف سازمان ملل متحد، تسلیحات متعارف را بر مبنای قابلیت حمل آن‌ها به سه بخش تقسیم می‌نماییم:^۳

۱- تسلیحات متعارف سنگین مانند تانک‌های جنگی، هواپیماها و بالگردهای تهاجمی، کشتی‌های جنگی.

۲- تسلیحات متعارف سبک مانند سلاح‌های ضدتانک قابل حمل، سلاح‌های دارای

تفنگ کمتر از ۷۲ میلی‌متر، سلاح‌های ماشینی جنگی سنگین، مسلسل‌های سنگین، نارنجک‌اندازهای دستی، ضد هوایی‌های قابل حمل و موشک‌اندازهای قابل حمل
 ۳-تسلیمات متعارف کوچک مانند تسلیحات تک تیرانداز، تفنگ‌های خودکار، شش لول و لوله کوتاه

اگرچه تعریف بین‌الملل مدونی در مورد هیچ یک از تسلیحات متعارف سنگین، سبک و کوچک وجود ندارد اما در دکترین حقوقی تعاریفی برای آن‌ها ارائه شده است. تسلیحات متعارف سنگین، تسلیحاتی هستند که توسط یک مجموعه گسترده و سازمان یافته از افراد اعم از نیروهای نظامی یا شبه نظامی یا هر گروه دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. تسلیحات متعارف سبک، تسلیحاتی هستند که برای استفاده به وسیله دو یا چند نفر تعبیه شده‌اند که به عنوان خدمه خدمت کنند. اگرچه بعضی از آن‌ها ممکن است توسط یک نفر حمل، یا از آن استفاده شود. (فن تیگر اشتروم، ۱۳۸۹: ۱۸۰) منظور از تسلیحات متعارف کوچک نیز تسلیحاتی است که برای مصرف انفرادی طراحی شده‌اند. از جمله این سلاح‌ها، تپانچه‌ها و سلاح‌های کمری که به وسیله شخص استفاده کننده پر می‌شوند، تفنگ‌های لوله بلند و لوله کوتاه، مسلسل‌های نیمه خودکار، تفنگ‌های تهاجمی و مسلسل‌های سبک با کالیبر کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر قرار دارند. (مصفا و شاه نوری، ۱۳۸۹: ۲۶۹) تسلیحات متعارف کوچک برخلاف دو دسته دیگر که به یک توانایی بالقوه پشتیبانی و نگهداری وسیع که تنها می‌تواند از طریق سازمان‌های تخصصی نظامی با تجربه فنی کافی ارائه شوند؛ نیازمند است با استفاده از نیروهای کمتر آموزش دیده پشتیبانی نیز می‌توانند خدمات آن‌ها ارائه شود (Rogers, 2013: 52). گروه کارشناسان سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۹۷ تعریفی از تسلیحات کوچک ارائه داده است. بر مبنای این تعریف، تسلیحات کوچک ((تسلیحات هم نظامی و هم غیرنظامی و خصوصی هستند که به وسیله شمار کمی از انسان‌ها یا حیوان‌ها یا یک وسیله کوچک قابل حمل است^۴)). تسلیحات کوچک در مناصمات به تسلیحات انتخابی (Weapons of Choice) نیز معروف شده‌اند.

از بین سه دسته از تسلیحات متعارف، امروزه تسلیحات کوچک و سبک هستند که به شدت مورد توجه بین‌المللی قرار گرفته‌اند چرا که بر حسب آمار اخیر دفتر

بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف ... ۷

تسلیمات متعارف اداره امور خلع سلاح سازمان ملل متحد، بیش از ۶۰۰ میلیون تسلیحات کوچک و سبک امروزه در سطح جهان در حال گردش بوده و همچنین از ۴۹ جنگی که در دهه ۱۹۹۰ به وقوع پیوسته است، ۴۷ جنگ از آن‌ها با تسلیحات کوچک صورت گرفته است. توجه بین‌المللی به آثار سوء ناشی از کاربرد تسلیحات کوچک به طور عمده به دنبال تصویب برنامه اقدام سازمان ملل متحد برای پیشگیری، مبارزه و محو تجارت غیرقانونی در تسلیحات کوچک و تسلیحات سبک در تمامی ابعاد آن (United Nations, Report of the UN Conference on the Illicit Trade) (۲۰۰۱) جلب شد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز در گزارش ((دسترس پذیری تسلیحات و وضعیت غیرنظامیان در مخاصمه مسلحانه)) (Arms Availability and the Situation of Civilians in Armed Conflict) در سال ۱۹۹۹ به این موضوع اشاره ورزیده است که ارتباط مستقیمی میان به‌کارگیری تسلیحات کوچک از جمله تک تیراندازها و افزایش وقوع تلفات انسانی در مخاصمات مسلحانه وجود دارد. (Durham and Gurd, 2005: 105).

بنابراین مجموعاً می‌توان گفت عجیب نیز نباشد که با توجه به تعلق بیشترین تولیدات تسلیحات متعارف به ویژه تسلیحات کوچک و سبک، به کشورهای توسعه یافته صنعتی غرب، عمده تحقیقات و توجه دانشگاهی به این نوع تسلیحات نیز از ناحیه علمای دانشگاهی این کشورها صورت گرفته باشد.

۲.۳. پیشینه نظارت بین‌المللی بر تجارت تسلیحات متعارف

ابتدا بایستی منظور خود را از نظارت بر تجارت تسلیحات متعارف، مشخص نمود. نظارت بر تجارت تسلیحات متعارف شاخه‌ای از کنترل تسلیحات تلقی می‌گردد که به معنای اعم آن در مقابل خلع سلاح و مشتمل بر عدم گسترش، می‌گردد. کنترل تسلیحات متعارف، نگاه سخت گیرانه به حاکمیت دولت‌ها ندارد و وجود سلاح را برای تحقق صلح ضروری می‌داند و اساس سلب کلیه حقوق دولت‌ها در رابطه با تسلیحات و فعالیت‌های تسلیحاتی را ناممکن، بلکه نادرست می‌شمارد و تنها

محدودسازی آن دسته از حقوق حاکمیتی را که دولت‌ها به صورت متقابل و به منظور دستیابی به توازن منافع، مورد توافق قرار می‌دهند، مجاز می‌شمارد. پس از ذکر این مقدمه به تاریخچه نظارت بر تجارت تسلیحات متعارف می‌پردازیم نخستین سند بین‌المللی که در آن به سلاح‌های متعارف استناد شده است، اعلامیه سن پترزبورگ ۱۸۶۸ در باب ممنوعیت استفاده از پرتابه‌های انفجاری با وزن زیر ۴۰۰ گرم (Declaration Renouncing the Use, in Time of War, of Explosive)

(Projectiles Under 400 Grammes Weight. Saint Petersburg) است.

پس از پایان جنگ سرد و با تحولات صورت گرفته در جامعه بین‌المللی، به تدریج توجه جامعه بین‌المللی و در رأس آن سازمان ملل متحد به سمت سلاح‌های متعارف و مسائل جانبی آن از جمله تجارت، انتقال و مالکیت جلب شد که می‌توان به سه علت ذیل به عنوان عوامل توجه جامعه بین‌المللی اشاره نمود:

۱- حضور بازیگران غیر دولتی در عرصه تجارت تسلیحات متعارف: پس از پایان جنگ سرد، حضور بازیگران غیردولتی در عرصه تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف به دو شکل عمده شرکتهای چند ملیتی تولیدکننده تسلیحات متعارف و پدیده تروریسم بین‌المللی، هویدا شده است. (Mazzarell, 2005: 59) بدین معنا که قبل از یازده سپتامبر، برای جامعه بین‌المللی و اغلب بازیگران این جامعه بدیهی شده بود که مخارج و بودجه‌های نظامی (بعد از کاهش در دهه‌های پس از پایان جنگ سرد) باید به سمت کاهش تدریجی حرکت کند. (ساعد، ۱۳۸۱: ۱۴۴) پایان جنگ سرد و به تبع آن تغییر نسبی ماهیت مخاصمات مسلحانه بین‌الدولی به جنگ‌های داخلی و کوچک‌تر شدن فضای مخاصماتی، دگرگونی نسبتاً بزرگی را در بازار تجارت تسلیحات متعارف، ایجاد کرد. از سوی دیگر، تقویت حضور گروه‌های تروریستی و جهادی در عرصه روابط بین‌المللی به ویژه در منطقه خاورمیانه به همراه وقوع جنگ‌های متعدد مانند جنگ افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) و نیز قیام‌های اسلامی مردم در کشورهای عربی مانند لیبی، یمن، مصر و ناتوانی دولتهای محلی در خلع سلاح عمومی پس از پایان این جنگها، منجر شده است که جریان انتقال تسلیحات متعارف به صورت سازمان یافته و فارغ از نظارت مؤثر دولت‌ها درآید به گونه‌ای که می‌توان ارتباط

بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف ... ۹

مستقیمی میان افزایش تولید و تجارت تسلیحات متعارف توسط شرکتهای چند ملیتی و حضور تروریستها در عرصه مخاصمات مسلحانه را ملاحظه نمود. (Hall & Biersticker, 2002:16).

۲- مرزها: این مسئله به دو شکل عمده در افزایش تجارت تسلیحات متعارف، مؤثر بوده است: الف- پایان استعمار سنتی در کشورهای آفریقایی، به دلیل عدم تعیین دقیق مرز و حضور قبایل متعدد در طول مرزها، منجر به افزایش خشونت‌های محلی و به تبع آن گسترش استفاده از تسلیحات متعارف عمدتاً سبک و یا نیمه سنگین در این نبردها گشته است (چنانچه در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیجر علیه بورکینافاسو مشهود است)^۵. ب- با تعدیل مقررات مربوط به کنترل مرزها میان اتباع کشورها به خصوص در کشورهای عضو اتحادیه اروپایی، امکان استقرار و تبادل تسلیحات متعارف توسط باندها و شبکه‌های مجرمانه به صورت هماهنگ و سازمان یافته، افزایش پیدا کرده است. خالقی، ۱۳۹۰: ۲۰۳-۲۰۵

۳- توجه بیشتر جامعه بین‌المللی به موازین حقوق بشر به ویژه حق توسعه و قواعد بین‌المللی بشردوستانه نیز در سالهای پس از پایان جنگ سرد از دیگر عواملی است که منجر به توجه به تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف به ویژه در ارتباط با مخاصمات مسلحانه شده است. این مسئله در گزارش سال ۲۰۰۳ برنامه توسعه سازمان ملل متحد در زمینه چرایی افزایش کاربرد تسلیحات متعارف در جهان جلوه‌گر شده است.

۳. نظام حاکم بر کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان ملل متحد

کنترل تسلیحات در سطح سازمان ملل متحد به صورت ابتدایی شامل تسلیحات کشتار جمعی و بالأخص تسلیحات هسته‌ای می‌گردد اما تحریم تسلیحاتی عراق پس از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و نیز پیمان دیتون^۶ در زمینه آتش‌بس میان یوگسلاوی سابق موجب شد که عملاً سازمان ملل متحد وارد کنترل تسلیحات متعارف گردد بدین معنا که در زمینه تحریم تسلیحاتی عراق با صدور قطعنامه ۶۷۸، عراق را از تولید هر گونه تسلیحات از جمله تسلیحات متعارف بازداشت و در پیمان دیتون نیز بر

اساس سند انضمامی IB آن، اقداماتی به منظور تأمین وضعیت امنیتی در بوسنی و هرزگوین مورد توافق قرار گرفته بود که برخی از مفاد آن شامل نظارت بر کنترل تسلیحات متعارف می‌شد. (Lubbers, 1998:8). ایده کنترل مؤثر بر تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان ملل متحد، در واقع، به بند ۳۸ سومین گزارش کنفرانس خلع سلاح به ۴۳ نشست مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۸۸ باز می‌گردد. (قطعنامه ۶۷ ب مجمع عمومی ملل متحد، ۱۹۸۸، بند ۳۸). در بند مذکور، بر لزوم انعقاد معاهدات بین‌المللی درباره خلع سلاح کامل اعم از هسته‌ای و غیر هسته‌ای تحت نظارت مؤثر بین‌المللی، تأکید شده است. اصلی‌ترین نهاد در سطح سازمان ملل متحد که تاکنون نقش عمده‌ای را در کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف ایفاء کرده است، مجمع عمومی است. بدین لحاظ که سه کنوانسیون عمده یعنی کنوانسیون ممنوعیت کاربرد، انباشت، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و تخریب آن‌ها (کنوانسیون اتاوا) (The 1997 Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on their Destruction (Ottawa Convention) و کنوانسیون ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌ها بر کاربرد برخی تسلیحات متعارف که ممکن است بیش از حد آسیب‌زا باشند یا از آثار غیر تفکیک‌آمیز برخوردار باشند (The Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects (CCW))، کنوانسیون مهمات خوشه‌ای (The Convention on Cluster Munitions (CCM)) را در زمینه کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف به تصویب رسانیده است.

در این راستا، اقدامات اجرایی نظارتی کلی بین‌المللی در سطح سازمان ملل برای نظارت بر مبادلات بین‌المللی سلاح‌های متعارف توسط، به نظام ملل متحد برای ارائه گزارش استاندارد شده از هزینه‌های نظامی (UN System For The Standardized Reporting of Military Expenditures) در سال ۱۹۸۰ باز می‌گردد که از دولت‌ها می‌خواست تا به ارائه گزارش‌های مفصلی از تعداد کارکنان نظامی عملیات جنگی، هزینه نگهداری، ساخت و تعمیرات سلاح‌های متعارف، پردازند. دومین گام عملی در سطح سازمان ملل متحد، در زمینه سلاح‌های سنگین متعارف از سال ۱۹۹۱، زمانی که

سازمان ملل متحد، طرح ثبت سلاح‌های متعارف سازمان ملل متحد (UN Register of Conventional Arms) را آغاز گشت طرح ثبت سلاح‌های متعارف ملل متحد بیش از آنکه یک موافقت‌نامه کنترل تسلیحات یا عدم تکثیر باشد؛ یک اقدام شفاف ساز است. (Frieman, 2004:110) در این طرح، پیش‌بینی شده است که دولتهای عضو سازمان ملل به منظور ایجاد شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن تجارت تسلیحات متعارف، هر ساله، گزارش‌هایی را پیرامون آمار صادرات و واردات موجودی، خریدهای داخلی و سیاست‌های مرتبط با تجارت تسلیحات متعارف (و نه ساخت (سلاح‌های متعارف سنگین که به صورت احصایی شامل ۷ نوع از تسلیحات متعارف شامل: تانک‌های جنگی، وسایل نبرد مسلحانه، سیستم‌های توپخانه‌ای با کالیبر بالا، بالگردهای تهاجمی، هواپیماها جنگی، کشتی‌های جنگی، موشک‌ها و سکوها پرتاب این موشک‌ها به سازمان ملل ارائه دهند. (Tan, 2014:309) در کنار این، دولت‌ها مخیر هستند که اطلاعاتی در مورد میزان و ویژگی‌های تسلیحات متعارف موجود در نیروهای نظامی خود، آمار تعداد تسلیحات متعارف سبک و کوچک خود را نیز در اختیار سازمان ملل قرار دهند. (Marquardt, 2011:154) همچنین این طرح تنها شامل انتقال و تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف می‌گردد؛ بنابراین دولتهایی که اقدام به خرید تسلیحات متعارف از تولید کنندگان داخلی خود می‌نمایند، اجباری به گزارش دهی به سازمان ملل متحد ندارند. از زمان ایجاد طرح ثبت سلاح‌های متعارف به منظور نظارت موثرتر بر عملکرد دولت‌ها، گروه کارشناسان دولتی به وجود آمده است که هر سه سال یک بار به تشکیل جلسه می‌پردازد و پس از آن گزارش کار خود را به مجمع عمومی تحویل می‌دهد. در حالی که در طرح مزبور از دولت‌ها ((خواسته)) می‌شود تا اطلاعات کیفی راجع تسلیحات متعارف خود را ارائه دهند؛ تنها ((ترغیب)) می‌شوند تا اطلاعات مسبق به سابقه‌ای از تسلیحات و تجهیزات نظامی متعارف خود را ارائه دهند. بدون شک، عدم اطلاعات قبلی در باب تسلیحات متعارف دولت‌ها، عملاً موجب می‌گردد که بخشی وسیع از اطلاعات آماری در زمینه کاربرد بین‌المللی تسلیحات متعارف در دسترس نباشد. (Frieman, 2004:110) در خلال این سال‌ها، بیش از ۱۷۰ دولت عضو، گزارش‌های خود را پیرامون این سلاح‌ها به سازمان ملل، ارائه دادند. (همان، ۱۱۰)

اگرچه این طرح و گزارش، تاکنون موجب شفافیت و قابل پیش بینی شدن بیشتر مبادلات سلاح‌های متعارف شده است، اما با چالش‌هایی چون عدم پوشش تمامی تسلیحات متعارف (تنها شامل هفت نوع تسلیحات متعارف می‌گردد)، عدم الزام در گزارش دهی دولت‌ها بدین معنا که تمامی دول عضو سازمان ملل متحد، هر ساله گزارش‌های خود را در مورد تسلیحات متعارف مشمول این طرح ارائه نمی‌دهند و نیز برخی دولت‌ها در تاریخ انعقاد موافقت‌نامه تجارت تسلیحات متعارف و برخی دیگر در تاریخ انتقال تسلیحات مزبور اقدام به گزارش دهی می‌نمایند، همچنین متفاوت بودن تفاسیر دولت‌ها در مورد دسته بندی تسلیحات متعارف و نهایتاً عدم ارائه آمار واقعی در مورد تسلیحات متعارف توسط دولت‌ها بنا به دلایل مختلف چون تجارت غیرقانونی تسلیحات متعارف، مواجهه است. آخرین اقدام اجرایی سازمان ملل متحد در زمینه کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف به برنامه اقدام سازمان ملل برای محدود کردن تجارت غیرقانونی در تسلیحات کوچک و سبک در سال ۲۰۰۱ میلادی باز می‌گردد. این برنامه کاری غیر الزام‌آور، اقدامات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای موضوعاتی همچون جرم انگاری جرائم جدید و تعقیب آن‌ها، علامت گذاری تسلیحات، نگهداری رکوردها و ردیابی آن‌ها، وضع مقررات مؤثر در مورد کنترل صادرات، انتقال و دلالی آن‌ها، امنیت ذخایر مجاز این سلاح‌ها، از میان بردن سلاح‌های زائد، توقیف شده و جمع آوری شده، خلع سلاح پس از دوران مخاصمات، بازگرداندن سلاح‌های انتقال یافته و برنامه‌های جمع آوری آن‌ها و مشارکت و همکاری دولت‌ها در این زمینه مقرر می‌دارد. (فن تیگر اشتروم، ۱۳۸۹: ۱۸۳) با این حال، اصلی‌ترین انتقاداتی که به این برنامه وارد است عبارت‌اند از عدم استناد به کنترل صادرات تسلیحات مشمول در ارتباط با بازیگران غیردولتی، عدم اجرای برنامه در مورد مالکیت تسلیحات مشمول در دست افراد و نیز عدم توجه بایسته به مسائل بشردوستانه و توسعه ناشی از به‌کارگیری تسلیحات مشمول است. (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۶: ۱۵)

نقش شورای امنیت ملل متحد در زمینه کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف بیشتر در قالب اعمال تحریم‌های تسلیحاتی بین‌المللی بر علیه دولت‌ها جلوه‌گر شده است که از جمله آن می‌توان به اعمال تحریم‌های تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی ایران در

۱۳ بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف ...

قطعه‌نامه‌های ۱۷۳۷(۲۰۰۶)، ۱۷۴۷(۲۰۰۷)، ۱۸۰۳(۲۰۰۸) و ۱۹۲۹(۲۰۱۰) یا اعمال تحریم‌های تسلیحاتی علیه لیبی در سال ۲۰۱۱ در قالب قطعه‌نامه‌های ۱۹۷۰(۲۰۱۱) و ۱۹۷۳(۲۰۱۱) اشاره داشت

۴. سازمان تجارت جهانی و تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف

علاوه بر سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی به عنوان یک سازمان جهان‌شمول دیگر که قاطبه دولت‌ها در آن عضویت دارند، در زمینه تجارت تسلیحات متعارف، نقش عمده‌ای ایفاء می‌نماید. معضل تجارت تسلیحات متعارف به ویژه تجارت کنترل نشده تسلیحات متعارف تشدید می‌گردد.

در ابتدای بحث، بایستی به نظام استثنائات اعمال قوانین سازمان تجارت جهانی اشاره نمود. موافقت‌نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی چندین استثنا را برای دول عضو مقرر نموده است تا آن‌ها بتوانند در ارتباط با منافع و اهداف خاصی از تعهدات خویش طبق مقررات سازمان تجارت جهانی منحرف شوند. نظام استثنائات سازمان تجارت جهانی را می‌توان در سه دسته استثنائات مربوط به ((وضعیت سیاست اقتصادی)) (Economic Policy Situation) که به منظور حفاظت از توازن پرداخت‌ها یا مخاطره احتمالی به بخش‌های ملی یک صنعت مورد استناد قرار می‌گیرد، استثنائات مربوط به ((منافع ملی در تنظیم، حمایت یا اجرای قوانین)) (National Interests in Regulation, Protection or Enforcement) که به دلایل حفاظت از نظم عمومی و اخلاق حسنه یا حفاظت از بهداشت عمومی و محیط زیست یا منابع طبیعی مورد استناد قرار می‌گیرد و استثنائات دسته آخر که به مستثنیات ((امنیت ملی)) مشهور بوده و در مواردی که امنیت ملی یک دولت عضو سازمان تجارت جهانی مورد مخاطره قرار می‌گیرد، بدان استناد می‌شود. با این حال، دامنه ((مستثنیات امنیت ملی)) در مقررات سازمان تجارت جهانی به نحو دقیق و جامع تشریح نشده است و دولت‌ها در مورد دامنه اجرایی آن باهم اختلاف نظر دارند کما اینکه در جریان مذاکرات دول شرکت کننده در نشست دوحه سازمان تجارت جهانی بر روی دستورالعمل توسعه دوحه (The

(Doha Development Agenda(DDA)، اختلاف نظرات عمیقی میان دول مزبور در مورد قرار گرفتن یا نگرفتن تجارت انرژی هسته‌ای در چهارچوب ((مستثنائات امنیت ملی)) درگرفت که بی‌نتیجه ماند. (Mathur, 2014: 50)

یکی از مواردی که به صراحت در دسته اخیر نظام استثنائات سازمان تجارت جهانی یعنی دسته امنیت ملی ذکر شده است و دولت‌های عضو با استناد به آن می‌توانند از اجرای قواعد سازمان تجارت جهانی عدول ورزند؛ مربوط به تجارت تسلیحات متعارف است. (استول و شورکوف، ۲۰۰۶، ۵۶) در این زمینه، باید به بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۱ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ (The General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)، تحت عنوان (استثنائات امنیت ملی)، (National Security Provision)، توجه نمود که سه موضوع را در زمینه تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف از سطح شمول مقررات سازمان تجارت جهانی مستثنا می‌دارند: ۱. تجارت تسلیحات، مهمات و ادوات جنگی؛ ۲- تجارت در سایر کالاها و وسایلی که به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم برای هدف تأمین استقرار نظامی صورت می‌گیرد؛ ۳- تجارت تسلیحات متعارف در زمان جنگ یا سایر شرایط بحرانی مشابه. بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۱ گات در رأی صادره دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه نیز مورد تأکید قرار گرفته است جایی که دیوان مقرر می‌دارد: ((این مقرره‌های (بندهای ۲ و ۳) موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت تصریح می‌نمایند که موافقت‌نامه مزبور نبایستی به گونه‌ای تفسیر شود که هر دولت متعاقد را از انجام هر گونه اقدامی که برای حفاظت از منافع حیاتی امنیتی خویش، ضروری تلقی می‌کند؛ باز دارد.)). (Lovric, 2010:89)

نظیر چنین تعهدی در شق دو بند ب ماده ۷۳ موافقت‌نامه ابعاد تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) نیز مندرج شده است که گویای آن است که تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری تسلیحات متعارف نیز از شمول نظارت‌های سازمان تجارت جهانی مستثنا شده است. (Wolfrum et all, 2008:331) علاوه بر این می‌توان به ماده ۸ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی (The National Foreign Trade Council (NFTC)) که ضمیمه شماره یک موافقت‌نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی است باز می‌گردد اشاره نمود که به صورت مستقیم بر تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف

بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف ... ۱۵

مرتبط است. در بخشی از این ماده تحت عنوان یارانه‌های غیر قابل تعقیب، اعطای یارانه‌های دولتی به منظور کمک به فعالیت‌های نظامی و تسلیحاتی از جمله تجارت تسلیحات متعارف استثنائاً توجیه شده است.

۵. مقایسه دو نظام کنترل تسلیحات متعارف در چارچوب سازمان ملل متحد و

سازمان جهانی تجارت

۵.۱. مقایسه معیار امنیت دسته جمعی در سازمان ملل متحد با معیار امنیت ملی در

سازمان تجارت جهانی

در امنیت به مفهوم سنتی آن، تولید، تملک و انتقال تسلیحات متعارف یکی از مظاهر افزایش دهنده امنیت دولت در بعد ملی و قدرت آن دولت در سطح بین‌المللی تلقی می‌شد؛ پیش از پایان جنگ سرد با تصویب قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر برابری حاکمیت دولت‌ها تأکید نمود که ((تمام کشورها از حقوقی که ذاتاً متعلق به حاکمیت آن‌هاست بهره می‌برند و هر کشوری حق دارد آزادانه نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را انتخاب کرده و توسعه دهد)). در این قطعنامه، با تأکید بر لزوم حفظ امنیت جامعه بین‌المللی، بر حق دولت‌ها بر در اختیار داشتن تسلیحات برای حفاظت از امنیت ملی خود، تأکید شده است... با پایان جنگ سرد و تقویت امنیت دسته جمعی در سطح سازمان ملل متحد، امروزه این طرز تلقی از مفهوم امنیت و به تبع آن حاکمیت به هیچ وجه پذیرفته نیست چرا که حاکمیت در جامعه بین‌الملل معاصر نه تنها یک حق بلکه یک تکلیف به ویژه در برابر شهروندان خود دولت است. (نجفی اسفاد، ۱۳۹۲: ۳۲۱) در حالی که با پایان جنگ سرد، تأکید بیشتر بر ماهیت صلح پایدار و عوامل ایجادکننده آن همانند توسعه اجتماعی و اقتصادی، به زمامداری و دمکراتیزه کردن، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر، مفهوم سنتی سیستم امنیت جمعی را تکمیل نمود. (سادات میدانی، ۱۳۸۴: ۴۹) بنابراین امروزه زمانی کنترل تسلیحات متعارف در چهارچوب نظام امنیت دسته جمعی سازمان ملل متحد، یک نظام تک بعدی نبوده بدین معنا مفهوم آن نه تنها محدودیت حاکمیت

بلکه مهم‌تر از احترام به حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و توسعه اقتصادی و اجتماعی است. همچنین سیستم امنیت دسته جمعی در سطح سازمان ملل متحد در زمینه کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف منجر به مشارکت بیشتر دولت‌ها و سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای در این امر شده است به گونه‌ای که در سطح منطقه‌ای نیز، می‌توان به کنوانسیون آمریکایی سال ۱۹۹۷ مبارزه با تولید قاچاق غیر قانونی سلاح‌های گرم، مهمات و مواد منفجره (The Inter-American Convention Against the Illicit Manufacturing of and Trafficking in Firearms, Ammunition, Explosives, and Other Related Materials (CIFTA))، سند سازمان همکاری و امنیت اروپا و نیز سند راهنمای رفتار اتحادیه اروپا در رابطه با صادرات (Berthélemy et al, 1994:8). پروتکل نایروبی (The Nairobi Protocol for the Prevention, Control and Reduction of Small Arms and Light Weapons in the Great Lakes Region and The Horn of Africa) که تمامی کشورهای آفریقایی را موظف می‌نماید تا قوانینی را، در سطوح ملی بر ساخت، تجارت، مالکیت و سوء استفاده از سلاح‌های سبک و کوچک، وضع کنند. پروتکل جامعه توسعه آفریقایی، اعلامیه باماکو (Bamako Declaration on an African Common Position on the Illicit Proliferation, Circulation and Trafficking of Small Arms and Light Weapons) بین اتیوپی، کنیا، نیجریه و اوگاندا، در زمینه کنترل و نظارت بر تولید تجارت سلاح‌های کوچک و سبک است، اشاره داشت. این در حالی است که در سازمان تجارت جهانی با پذیرش استثنای امنیت ملی، بر حاکمیت مطلق و سنتی دولت‌ها در زمینه تسلیحات متعارف اشاره شده است که این امر در جهان معاصر و با پذیرش استثنائات متعدد بر حاکمیت توسط خود دولت‌ها، مطابقت ندارد.

۵.۲. واقع بینی بیشتر نظام حاکم بر تنظیم تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان ملل متحد

نظام کنترلی سازمان ملل متحد بر تجارت تسلیحات متعارف به دلیل غیر واقع‌گرایانه بودن و برخورد با منافع مسلم ملی دفاعی دولت‌ها، طرح خلع بین‌المللی تسلیحات متعارف به همان وضعیتی که زمینه خلع سلاح‌های کشتار جمعی مطرح است را رد کرده و به جای آن با مطرح ساختن کنترل بین‌المللی تسلیحات متعارف، از

پرداختن به ایده‌های آرمان‌گرایانه (نظیر تحدید مطلق حاکمیت دولت‌ها) که پس از جنگ جهانی دوم به شکست انجامیده‌اند، خودداری ورزیده و به دیدی واقع‌گرا که هم‌اینک در حقوق بین‌الملل متجلی است در مورد تسلیحات متعارف می‌پردازد زیرا علی‌رغم تلاش گسترده حقوق بین‌الملل برای تحدید حاکمیت دولت‌ها در تجارت تسلیحات متعارف، عملاً توفیق چندانی در این عرصه کسب ننموده است. این در حالی است که تعهدات دولت‌ها به موجب موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت از جمله در زمینه تجارت تسلیحات متعارف مبتنی بر انتظارات متقابل است تا واقع‌گرایی بدین معنا که تنها در صورتی یک دولت ممکن است تعهدات خود را مبنی بر شفافیت و قابل‌پیش‌بینی بودن در سازمان تجارت جهانی انجام دهد که دولت دیگر عضو انتظارات آن را مبنی بر شفافیت متقابل در تجارت تسلیحات متعارف درک نماید. (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۷۷)

۵.۳. شفافیت و قابل‌پیش‌بینی بودن تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف در سازمان ملل متحد

اصل شفافیت و قابل‌پیش‌بینی بودن (Transparency and predictability) به عنوان یکی از اصول سازمان تجارت جهانی مورد پذیرش تمامی دول عضو آن قرار گرفته است. شفافیت در وضع و اجرای مقررات، سیاست‌ها و آیین‌نامه‌ها امکان هر گونه تبعیض را از بین می‌برد و با اطلاع‌رسانی صحیح و پاسخ‌گو بودن دولت‌ها، کلیه تجار داخلی و خارجی می‌توانند آزادانه دست به فعالیت زده و از دسترسی انحصاری گروهی محدود به اطلاعات و امتیازات تجاری جلوگیری شود. (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۲۰)

این در حالی است که با پذیرش قید ((استثنائات ملی)) در سازمان تجارت جهانی، اصل شفافیت و قابل‌پیش‌بینی بودن مورد تردید قرار می‌گیرد. این در حالی است که در سازمان ملل متحد با پیش‌بینی نظام‌های بازرسی بر تجارت تسلیحات متعارف چون ارائه گزارش استاندارد شده از هزینه‌های نظامی و طرح ثبت سلاح‌های متعارف سازمان ملل متحد، زمینه برای شفافیت بیشتر در زمینه کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف ایجاد شده است.

۵.۴. توجه به قواعد بشردوستانه و حقوق بشر در تجارت بین‌المللی تسلیحات

با توجه به اینکه اکثریت تلفات مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی را غیرنظامیان تشکیل داده و عمده آن‌ها توسط متحاربین کشته می‌شوند، اهمیت وضع قواعدی که کنترل‌کننده بر تجارت تسلیحات متعارف باشد، بیشتر درک می‌شود. بر اساس تخمین اتحادیه اروپا، سالیانه حدود ۷۴۰۰۰۰ زن و کودک به خاطر ضعف قواعد نظارتی بر تجارت بین‌المللی بر تسلیحات متعارف کشته می‌شوند.^۷ تأکید بر ابزار جنگی در کنار لزوم رعایت حقوق بشردوستانه در مخاصمات، عمدتاً به فرسایشی بودن احترام به این قواعد در مخاصمات مسلحانه باز می‌گردد بدین معنا که هر اندازه ابعاد زمانی و مکانی مخاصمات گسترده‌تری داشته باشد؛ رعایت قواعد بشردوستانه نیز از اهمیت کمتری برخوردار است. این امر در قطعنامه ۱۲۶۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۱۹۹۹ میلادی مورد تأکید قرار گرفته است. تقریباً در تمامی کنوانسیون‌های جهانی مربوط به کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف چون کنوانسیون مهمات خوشه‌ای، کنوانسیون مین‌های ضد نفر اتاوا و کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف به ارتباط میان قواعد بین‌المللی بشردوستانه با به‌کارگیری تسلیحات متعارف تأکید شده است. (Nystuen & Casey-Maslen, 2010:88-89) این در حالی است که در زمینه تجارت تسلیحات متعارف در سازمان تجارت جهانی به این ارتباط توجه نشده است. البته بخشی از انتقادات در این زمینه را می‌توان به صورت کلی‌تر به عدم رعایت حقوق بشر (که قواعد بشردوستانه جزئی از آن هستند) در قوانین سازمان جهانی تجارت دانست. برای نمونه در سالهای اخیر در قالب قضایایی هم چون سیگار تایلندی (The Thai Cigarettes Case)، گاو هورمون (The Hormone Beef Case) و (قضیه پنبه نسوز) (Case The Asbestos) ضرورت تطبیق میان قوانین سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر سلامت مورد تأکید قرار گرفته است (Zagel, 2005:124).

۵.۵. فراگیری بیشتر دامنه تعهدات دولت‌ها نسبت به تجارت تسلیحات متعارف در

سازمان تجارت جهانی:

اگرچه با استناد به استثنای ((امنیت ملی)) در تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان تجارت جهانی، امکان نظارت و به تبع آن تعهدات کشورها به مراتب از سازمان ملل متحد ضعیف‌تر است اما در مقابل به دلیل آنکه سازمان تجارت جهانی از سه موافقت‌نامه اصلی تجارت کالاها، خدمات و مالکیت فکری بهره‌مند است می‌توان در رکن حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت به طرح شکایت از باب خدمات و حتی مالکیت فکری در تجارت تسلیحات متعارف پرداخت (فرح سا، ۱۳۸۵: ۹۶-۱۰۰) زیرا که نکته‌ای که به خصوص در مورد تجارت بین‌المللی ابزار و ادوات جنگی از اهمیت بالایی برخوردار است، بحث انتقال خدمات این دستگاه‌ها است که از جمله آن می‌توان به آموزش نظامی کاربرد تسلیحات متعارف، قراردادهای وارانته، گارانتی و بیمه تراست این دستگاه‌ها اشاره داشت. است که کشور یا شرکت سازنده آن تسلیحات، در صورت معیوب یا خراب شدن ظرف مدت مشخص قبل یا بعد از تحویل آن دستگاه‌ها به کشور مقصد، ضمانت می‌کند که آن‌ها را تعمیر یا تعویض نماید حال آنکه در ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های ناشی از تجارت تسلیحات در سطح سازمان ملل متحد به این امر اشاره نشده است.

۵.۶. پویایی بیشتر رکن حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی در زمینه تجارت تسلیحات متعارف:

اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد تاکنون در زمینه حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها، اقدامات مؤثری را اتخاذ نموده است اما دولت‌ها تمایل چندانی به ارجاع دعاوی خود به دیوان مزبور نداشته و به جای آن سعی می‌نمایند اختلافات خود را از طریق داوری بین‌المللی حل و فصل نمایند. شاهد بارز این امر این است که در زمینه تسلیحات متعارف یا تجارت تسلیحات متعارف در دیوان بین‌المللی دادگستری قضیه‌ای مطرح نشده است در حالی که به علت پویایی رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی دیده می‌گردد که علی‌رغم سابقه کمتر، چند دعوا مربوط به تجارت تسلیحات متعارف در این رکن مطرح شده

است که این نشان از پویایی بیشتر سیستم قضایی سازمان تجارت جهانی نسبت به دیوان بین‌الملل دادگستری در سازمان ملل متحد در زمینه تجارت تسلیحات متعارف می‌دهد.

۶. نقایص موجود در هر دو نظام سازمان ملل متحد و سازمان جهانی تجارت در زمینه کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف

می‌توان در هر دو زمینه سازمان جهانی تجارت و سازمان ملل متحد علی‌رغم تفاوت اهداف و اصولشان، ضعف‌های ذیل را ذکر نمود:

۶.۱. عدم توجه به شرکتهای چند ملیتی تولید کننده تسلیحات متعارف:

شرکت‌های چند ملیتی، تازه‌ترین ابزار استیلا بر کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین است که پس از جنگ جهانی دوم توسط کشورهای غربی و ژاپن به کار گرفته شد. (ذاکر حسین، ۱۳۸۲: ۱۰۰) آنچه در زمینه تجارت تسلیحات متعارف بسیار جلب توجه می‌نماید، این است که در کشورهای عمده تولیدکننده سلاح‌های متعارف، بخش خصوصی در کنار بخش دولتی به تولید این سلاح‌ها، می‌پردازد؛ بنابراین برای کنترل مؤثر تسلیحات متعارف بر فعالیتهای این بخش نیز، باید نظارت کافی شود. مسئولیت شرکتهای چند ملیتی تولید کننده تسلیحات متعارف، عمدتاً بازتاب کلی‌دکترین مسئولیت اجتماعی شرکتهای مزبور که چندین سال است در ادبیات حقوقی بین‌الملل هویدا گشته است و بر اساس آن در صورت خواست و اراده شرکتهای فراملی برای تداوم و توسعه فعالیتهای خویش در کشور میزبان (از جمله تجارت تسلیحات متعارف با یک کشور)، بایستی به جامعه محل فعالیتهای خویش نیز به انحاء مختلف سود برسانند. (عسکری، ۱۳۹۲: ۳۱۱-۳۱۳) با تأسیس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ و رشد گسترده شرکتهای فراملی به ویژه در کشورهای در حال توسعه، کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل متحد به ایجاد یک پیمان جهانی به منظور نظارت بر موارد نقض حقوق بشر توسط شرکتهای چند ملیتی اشاره داشت که شامل اصول ده‌گانه‌ای چون منع خسارت بر محیط زیست و لزوم رعایت قواعد بین‌المللی حقوق

۲۱ بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف ...

بشر در تجارت بین‌المللی که البته الزام‌آور نبوده اشاره نمود اما موجب گشته است که تاکنون بیش از ده هزار شرکت چند ملیتی داشته باشد. (Akhtarkhavari, 2010:151-153).

سازمان ملل متحد به طور خاص تاکنون، دو اقدام را در مورد نظارت بر شرکتهای چندملیتی تولید کننده تسلیحات متعارف داشته است. نخست، می‌توان به تلاش مجمع عمومی در سال ۱۹۵۲ برای تدوین کنوانسیون راجع به کنترل و نظارت بین‌المللی بر ساخت و قاچاق سلاح توسط بخش خصوصی، اشاره داشت که البته تا به امروز لازم الاجراء نگشته است. ثانیاً می‌توان، به قطعنامه مجمع عمومی با عنوان ((تقویت شفافیت در صنایع)) در مورد نظارت بر فعالیتهای تولید تسلیحات توسط بخش خصوصی در سال ۲۰۰۸ می‌توان اشاره داشت. علی‌رغم اقدامات انجام شده در سطح سازمان ملل متحد، سازمان مزبور هنوز نتوانسته است اقدام مؤثر خاصی در باب نظارت بر عملکرد شرکتهای چند ملیتی تولید کننده تسلیحات متعارف انجام دهد. در سازمان تجارت جهانی نیز با آزاد سازی تجاری و روند جهانی سازی اقتصاد، فعالیت شرکتهای چند ملیتی از جمله در زمینه تجارت تسلیحات متعارف به صورت افسارگسیخته و خارج از اختیار دولت‌ها درآمده است البته در چندین قضیه در سازمان تجارت جهانی سعی بر این شده است که بر مسئولیت شرکتهای چند ملیتی تأکید شود هرچند تاکنون موفقیت نداشته است که از جمله آن می‌توان به قضیه موز بین اتحادیه اروپا و آمریکا، قضیه قانون ماساچوست بین اتحادیه اروپا و ژاپن با آمریکا، قضیه لاک‌پشت بین مکزیک و آمریکا، قضیه گاو اشاره نمود. (سازمان تجارت جهانی، ۲۰۱۰، ۷-۸)

۶.۲. فقدان وجود قواعد الزام‌آور خاص راجع به تجارت تسلیحات متعارف با

گروههای تروریستی

تجارت و ارسال کمک‌های تسلیحاتی متعارف به گروههای تروریستی در چهارچوب اصل منع حمایت از تروریسم به ویژه پس از وقایع یازده سپتامبر ۲۰۰۱ مورد توجه جامعه بین‌المللی و در رأس آن سازمان ملل متحد قرار گرفت از جمله در قطعنامه ۱۳۶۸ در سال ۲۰۰۱، شورای امنیت با تلقی کردن تروریسم بین‌المللی تحت

عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی، خواستار ((به‌کارگیری کلیه ابزارها بر طبق منشور (ملل متحد) و ترتیبات و اقداماتی که در ۱۲ کنوانسیون که برای مقابله و امحاء تروریسم توسط سازمان ملل متحد تصویب شده است، تأکید می‌نماید و دولت‌ها را ملزم به اجرای این دستورالعمل می‌داند)) (صادقی حقیقی، ۱۳۸۱: ۹۰) و بر این نکته پافشاری می‌ورزد که اشخاص (اعم از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی) که به کمک، حمایت یا پناه دادن اشخاصی که به چنین حملات تروریستی اقدام نمایند، دارای مسئولیت بین‌المللی می‌باشند. همچنین در قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت که پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر به تصویب رسید؛ از دولت‌ها خواسته شد تا از (هر نوع حمایت فعالانه یا منفعلانه از نهادها و اشخاصی که به نوعی در عملیات تروریستی دخالت دارند، خودداری کنند. (Ramraj, 2012:23) مشکل اصلی در شورای امنیت سازمان ملل متحد آن است که به مانند قطعنامه ۱۵۴۰ خود در زمینه منع تجارت سلاح‌های کشتار جمعی، قطعنامه خاصی در زمینه منع تجارت تسلیحات متعارف با تروریستها را مورد پذیرش قرار نداده است. اگرچه تا پیش از این، در اعلامیه پاریس ۱۸۵۶ و اعلامیه لندن ۱۹۰۹، به موضوع ممنوعیت ارسال تسلیحات متعارف توسط دول ثالث به طرفین متخاصم تأکید شده بود اما ویژگی بین‌الدولی بودن آن و الزام‌آور نبودن آن‌ها، موجب عدم رعایت این اسناد توسط دولت‌ها شد به گونه‌ای که می‌توان بارزترین نمود آن را در جریان جنگ ایران و عراق دانست. مخالفت‌ها با ایجاد یک رژیم بین‌المللی خاص در سطح سازمان ملل متحد برای ممنوعیت انتقال تسلیحات متعارف به گروه‌های تروریستی به دو عامل عمده باز می‌گردد: ۱- عدم توافق بر تعریف عبارت تروریسم که اینک در کنوانسیون‌های ۱۳ گانه ضد تروریسم سازمان ملل متحد مشهود است. ۲- اختلاف نظر عمده دولت‌ها به ویژه قدرتهای بزرگ جهانی چون آمریکا راجع به مسلح کردن مخالفان مسلح در زمانی که اقدام مزبور، تنها گزینه در برابر یک رژیم نامشروع یا سرکوب‌گر باشد؛ کما اینکه در هنگامی که دولت کانادا طرح پیشنهاد برای انعقاد ((کنوانسیون جهانی ممنوعیت انتقال بین‌المللی تسلیحات کوچک و سلاح‌های سبک به بازیگران غیردولتی)) را در سازمان ملل متحد داد با مخالفت‌های عمده کشورهای اروپایی و آمریکایی که هر گونه محدودیت بر انتقال تسلیحات را منافی حق

تعیین سرنوشت می‌دانستند مواجه شد^۸. در حال حاضر، تنها اقدام خاص سازمان ملل متحد در مورد ممنوعیت یا محدودیت انتقال تسلیحات متعارف به گروه‌های تروریستی را می‌توان برنامه اقدام سازمان ملل متحد در مورد تجارت غیر قانونی در تسلیحات کوچک و سلاح‌های سبک در سال ۲۰۰۱ دانست هرچند عملاً نتوانسته است در حصول به اهداف خود به علت تغایر با منافع قدرتهای بزرگ موفق باشد. در سطح سازمان تجارت جهانی نیز تا کنون توجه خاصی به تروریسم نشده است.

۷. نتیجه‌گیری

تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف، یکی از موضوعات مبتلا به جامعه بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد تلقی می‌گردد که با گسترش مخاصمات داخلی، وقوع جنایات بین‌المللی در عرصه روابط بین‌الملل و عملکرد بین‌المللی تروریسم رابطه مستقیم دارد. کنترل بین‌المللی بر این تجارت پرگستره در دو سطح عمده سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی؛ نشانگر دو رویکرد متفاوت است. البته در کنار این دو سازمان، سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای هم چون اتحادیه اروپا نیز واجد اسنادی در زمینه تجارت تسلیحات متعارف می‌باشند که می‌تواند به عملکرد به ویژه سازمان ملل متحد در تحقق اهدافش یاری‌رسان باشد. در سطح سازمان ملل متحد در حال حاضر سه سیستم نظارتی بر تجارت تسلیحات متعارف وجود دارد که عبارت‌اند از نظام ملل متحد برای ارائه گزارش استاندارد شده از هزینه‌های نظامی، طرح ثبت سلاح‌های متعارف سازمان ملل متحد و برنامه اقدام سازمان ملل متحد در مورد تجارت غیر قانونی در تسلیحات کوچک و سلاح‌های سبک در سال ۲۰۰۱. در زمینه اقدامات سازمان ملل متحد در زمینه کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف در مقابل مزیت‌هایی مانند شفافیت و قابل پیش بینی بودن بیشتر، ایجاد نظام امنیت دسته جمعی، توجه به قواعد بشردوستانه و موازین حقوق بشر، ضعف‌هایی همچون عدم توجه به شرکتهای چند ملیتی و نیز عملکرد بین‌المللی تروریسم وجود دارد. در نظام تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان تجارت جهانی با استثنایی دانستن کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف تحت عنوان استثنای امنیت ملی، عملاً نظارت سازمان تجارت جهانی بر تجارت این

تسلیحات را با مانع مواجه نموده است. البته دول عضو سازمان تجارت جهانی می‌توانند تحت عنوان یارانه‌های غیر قابل تعقیب نیز به اعطای یارانه به بخش‌های تولید کننده تسلیحات متعارف پردازند. در مقابل ضعف‌هایی چون توجه بیش از حد به امنیت ملی، غیر قابل پیش بودن و عدم شفافیت در تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان تجارت جهانی می‌توان به مزیت‌هایی چون امکان عملی گسترده‌تری تعهدات دول عضو سازمان جهانی تجارت و همچنین وجود رکن حل و فصل اختلافات به عنوان یک نهاد قضایی پویا را در زمینه تجارت تسلیحات متعارف ذکر نمود. علی‌رغم آنکه سازمان ملل متحد هنوز نتوانسته است به صورت کامل بر تجارت تسلیحات متعارف توسط دولت‌ها به ویژه قدرتهای بزرگ نظارت داشته باشد؛ سیستم نظارت بر تجارت تسلیحات متعارف آن علی‌رغم ایرادات مطروحه، در حال حاضر بر سیستم تجارت بر تسلیحات متعارف سازمان تجارت جهانی برتری محسوسی دارد. در پایان، می‌توان به منظور رفع یا حتی تقلیل خلأها و چالش‌های موجود در زمینه نظام حاکم بر کنترل تجارت تسلیحات متعارف در هر دو نظام سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی، پیشنهادهای ذیل را ارائه داد:

۱- به مانند انعقاد موافقت‌نامه همکاری سازمان ملل متحد با سازمان منع تسلیحات شیمیایی در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۱ که در آن بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی توسط سازمان ملل متحد تأکید گشته است، پیشنهاد می‌گردد که موافقت‌نامه مشابهی میان سازمان جهانی تجارت و سازمان ملل متحد به ویژه در زمینه کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف، منعقد گردد.

۲- احترام به قواعد بین‌المللی حقوق بشر دوستانه و موازین حقوق بشر به ویژه حق توسعه که در سالیان اخیر در سطح سازمان ملل متحد در تمامی زمینه‌ها از جمله کنترل بر تجارت تسلیحات متعارف مورد نظر قرار گرفته است، در سازمان جهانی تجارت از اهمیت بالایی برخوردار نیست بنابراین توصیه می‌گردد که سازمان جهانی تجارت اهمیت بیشتر به این موضوع بدهند.

۳- در سطح سازمان ملل متحد، کنوانسیون اختصاصی برای منع انتقال تسلیحات متعارف به گروه‌های تروریستی و نیز قواعد نظارت کننده بیشتر بر شرکت‌های چند ملیتی

۲۵ بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف ...

و افراد در زمینه تجارت تسلیحات متعارف وضع گردد. همچنین، شورای امنیت سازمان ملل متحد، به مانند قطعنامه ۱۵۴۰ خود در زمینه منع تجارت سلاح‌های کشتار جمعی، قطعنامه خاصی در زمینه منع تجارت تسلیحات متعارف با تروریستها را پذیرد. در دبیرخانه سازمان ملل نیز ساز و کار نظارتی به مانند مکانیزم شکایت دولت‌ها در باب انتقال تسلیحات کشتار جمعی در مورد تسلیحات متعارف نیز اجرایی گردد.

۴- استثنای امنیت ملی در مورد تجارت تسلیحات متعارف از قواعد سازمان تجارت جهانی تعدیل یا حذف گردد تا زمینه هماهنگی میان ساز و کار نظارتی سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در این مورد فراهم آید.

پی‌نوشت‌ها

^۱ مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه آقای سید مصطفی کازرونی با عنوان ((نظام حقوقی حاکم بر کاربرد تسلیحات متعارف)) به راهنمایی جناب آقای دکتر تدینی در دانشگاه شیراز است.

^۲ برخلاف سلاح‌های کشتار جمعی که با احصای سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای و بیولوژیکی، امکان قاعده‌مند کردن قواعد آن در سالیان گذشته وجود داشته است، به دلیل گستره وسیع موضوعی و حکمی سلاح‌های متعارف و برخورد با امنیت ملی کشورها، این چنین روندی بسیار کند و ناقص طی شده است.

^۳ United Nations Register of Conventional Arms, "The Global Reported Arms Trade" <http://www.un-register.org/Background/Index.aspx.p5> (last visit 14/2/2014)
"Small Arms Survey," Weapons and Markets Definitions" <http://www.smallarmssurvey.org/weapons-and-markets/definitions.html.p1> (last visit 13/8/2014)

^۵ Case concerning the Frontier Dispute (Burkina Faso/Niger). 16 April 2013 No. 2013/8 The International Court of Justice (ICJ) also available on the following website: <http://www.icj-cij.org/docket/files/149/17304.pdf>

^۶ در مورد پیمان دیتون باید گفت که پس از فروپاشی شوروی و ایجاد موج‌های جدید ناسیونالیسم در کشورهای کمونیستی اروپای شرقی، منطقه بالکان عامل وحدت‌بخش خود را از دست داد و در خلأ قدرت ایجاد شده در نظام بین‌الملل، در میانه دهه ۱۹۹۰ یک بار دیگر منازعات قومی و هویتی سر باز کرد و شش جمهوری مقدونیه، بوسنی و هرزگوین، مونته‌نگرو، صربستان، اسلونی و کرواسی وارد جنگی سه‌ساله و خونین در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ گردیدند که وسعت و شدت قتل عام‌ها و نسل‌کشی‌های قومی، نژادی و مذهبی به ویژه از سوی صرب‌ها علیه مسلمانان یکی از بزرگترین تراژدی‌های تاریخ معاصر را رقم زد. در پایان جنگ‌های داخلی با وساطت قدرت‌هایی چون آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل پیمان صلح دیتون بین جمهوری‌های

یوگسلاوی منعقد گردید و پس از آن به مرور زمان، دولت‌های جدید در منطقه بالکان تأسیس شدند. برای اطلاعات بیشتر ن.ک به: کوزه گر کالجی، ولی؛ استقلال کوزوو ابعاد و پیامدها، اسفند ۱۳۸۶ و فروردین ۱۳۸۷، شماره ۱۹۵ و ۱۹۶، ص ۱۰۰.

^۷ در گزارش دبیر کل سازمان ملل (۸/۵۴/۲۰۰۰)، ارسال تسلیحات کوچک و متعارف به عنوان عامل تهدید کننده دولتهای مشروع اما ضعیف و افزایش میزان ارتکاب جنایات سازمان یافته تروریستی توصیف شده است؛ به گونه‌ای که پیشگیری از سوءاستفاده و انتقال غیر قانونی آن عامل مهمی در پیشگیری از مخاصمات اعم از داخلی و بین‌المللی، توصیف می‌نماید.

^۸ این پیشنهاد با مخالفت شدید آمریکا و نمایندگان در سازمان ملل متحد از جمله جان بولتن روبرو گشت به گونه‌ای که وی اظهار نمود: ((این پیشنهاد مانع از کمک رسانی یک گروه سرکوب شده غیر دولتی که از یک دولت مرتکب به جنایات نشده می‌شود. تمایز بین دولت و غیر دولتی را در تعیین مسئولیت یا عدم مسئولیت استفاده کنندگان نهایی غیر متناسب است.)) برای اطلاعات بیشتر ر.ک به کازرونی، سید مصطفی، مسئولیت حمایت، انتشارات بین، چاپ اول، ۱۳۹۳، ۱۶۷-۱۷۲.

منابع

الف. فارسی

- حکمت نیا، محمود (۱۳۹۲)، **سلاح‌های کشتار جمعی و مبنای فقهی و حقوقی ممنوعیت استفاده از آنها**، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۲، صص ۵۳-۸۷.
- خالقی، علی (۱۳۹۰)، **جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش.
- دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲)، **قواعد حاکم بر تجارت تسلیحات**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۸۲)، **شرکت‌های فراملی**، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۸۲، شماره ۶۱، صص ۹۹-۱۴۴.
- رضایی، محمد تقی (۱۳۹۰)، **نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت**، تهران: نشر میزان.
- سادات میدانی، سید حسین (۱۳۸۴) **صلاحیت قانون گذاری شورای امنیت**، تهران:

۲۷ بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف ...

- موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
صادقی حقیقی، دیدخت (۱۳۸۱)، «مروری اجمالی بر اقدامات مجمع عمومی و شورای امنیت در مقابله با تروریسم بین‌المللی»، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، آذر و دی ۱۳۸۱، شماره ۱۸۳ و ۱۸۴، صص ۸۲-۹۳.
- عسکری؛ پوریا (۱۳۹۲)، *حقوق بشر و شرکت‌های فراملی: پیمان جهانی و چهارچوب حمایت، احترام و جبران سازمان ملل متحد*، چاپ شده در مجموعه مقالات کتاب جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱ (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی)؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۲، ۳۱۱-۳۲۰.
- ساعد، نادر (۱۳۸۱)، «خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از یازده سپتامبر: همکاری بین‌المللی یا یکجانبه‌گرایی؟»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، بهار و تابستان ۱۳۸۱، شماره ۳۸ و ۳۹، ۱۴۱-۱۷۸.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۲)، «فقه تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های غیرمتعارف»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۲، ۷-۲۸.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۹۲)، «تولید و استفاده از سلاح کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۹۲.
- فرح سا؛ فرح (۱۳۸۵)، «فرآیند حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی در حوزه نفت»، *فصلنامه بررسی مسائل اقتصاد انرژی*، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۵، ۹۴-۱۲۶.
- فن تیگر اشتروم، باربارا (۱۳۸۹)، *امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل*، ترجمه‌ی اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، تهران: انتشارات مجد
- کازرونی، سید مصطفی (۱۳۹۳)، *مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل*، تهران: انتشارات نگاه بینه
- مصفا، نسرين؛ شاه نوری، ندا (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیرات زیانبار تولید، تجارت و استفاده غیرقانونی سلاح‌های کوچک، سلاح‌های سبک»، *فصلنامه سیاست دانشگاه تهران*، دوره چهارم، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲، ۲۶۷-۲۸۶.

نجفی اسفاد، مرتضی (۱۳۹۲)، «بررسی حقوقی ((دکترین مسئولیت)) در حقوق بین‌الملل»، چاپ شده در مجموعه مقالات کتاب جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱ (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی): موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۳۲۰-۳۳۸.

ب. لاتین:

- Akhtarkhavari, Afshin, (2010)'' Global Governance of the Environment: Environmental Principles and Change in International Law and Politics'', Cheltenham (UK), Edward Elgar Publishing
- Berthélemy, Jean-Claude, McNamara Robert S. and Se Somnath (1994), **the Disarmament Dividend: Challenges for Development Policy**, Organization for Economic Cooperation and Development (OECD) Policy Brief No. 8, pp 1-9.
- Durham, Helen; Gurd, Tracey, (2005)'' **Listening to the Silences: Women and War**'' , Leiden (The Netherlands), Martinus Nijhoff Publishers.
- Frieman, Wendy, (2004)'' **China, Arms Control, and Nonproliferation**'' , New York (U.S.A), Psychology Press, 2004.
- Grimmett, Richard F. and Kerr, Paul K. (2012) '**Conventional Arms Transfers to Developing Nations, 2004-2011**, Congressional Research Service, available on www.crs.gov/
- Hall, Rodney Bruce and Biersticker, Thomas J (2002), **The Emergence of Private Authority in Global Governance**, Rhode Island (U.S.A), Cambridge University Press, Brown University.
- Legal Information Institute, 'U.S. Code 2349bb-6 - Safeguarding and elimination of conventional arms'', <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/22/2349bb-6>
- Lovic, Daniel (2010),'' **Deference to the Legislature in WTO Challenges to Legislation**'' , Leiden (The Netherlands), Kluwer Law International
- Maras, Marie-Helen (2014),'' **Transnational Security**'' , Florida (U.S.A), CRC (Full Name) Press.

- Marquardt, James J. (2011), **Transparency and American Primacy in World Politics**, Farnham (UK), Ashgate Publishing, Ltd.
- Mathur, Sajal (2014),” **Trade, the WTO and Energy Security: Mapping the Linkages for India**”, New Delhi (India), Springer.
- Mazzarell, John J., (2005)” **Terrorism and Multinational Corporations: International Business Deals with the Costs of Geopolitical Conflict**” , Major Themes in Economics,
- Nystuen, Gro and Casey-Maslen, Stuart, (2010) **the Convention on Cluster Munitions: A Commentary**, Oxford University Press,
- Perrin, Benjamin (2012),” **Modern Warfare: Armed Groups, Private Militaries, and Humanitarian Organizations, and the Law**”, UBC Press.
- Ramraj, Victor V, (2012)” **Global Anti-Terrorism Law and Policy**”, Cambridge, Cambridge University Press
- Resolution 67b adopted by the United Nations General Assembly with the subject” Report of the Conference on Disarmament” on 7 December 1988 (A/43/859)
- Rogers, Damien, (2013)” **Postinternationalism and Small Arms Control: Theory, Politics, Security**”, Ashgate Publishing.
- Institution Press, Singh, Nagendra, MacWhinney, Edward, (1989)” **Nuclear Weapons and Contemporary International Law**”, Martinus Nijhoff Publishers.
- Stohl, Rachel and Grillot, Suzette (2013),” **The International Arms Trade**”, John Wiley and Sons.
- Stoll, Peter-Tobias and Schorkopf, Frank (2006), “ **WTO: World Economic Order, World Trade Law**”, Martinus Nijhoff Publishers.
- Tan, Andrew T. H., (2014)” **The Global Arms Trade: A Handbook**”, Routledge.
- The Security Council Cross-Cutting Report (2009 no.3) on 24 September 2009
- The United Nations Development Programme (UNDP)

(2003), **Human Development Report 2003: Millennium Development Goals: A compact among nations to end human poverty**.

United Nations, (2006) **European Action on Small Arms and Light Weapons and Explosive Remnants of War: Final Report**, United Nations Publications.

Wikipedia, "Gun- Control", http://en.wikipedia.org/wiki/Gun_control

Wolfrum, Rüdiger; Stoll, Peter-Tobias, Feinäugle, Clemens, (2008) **WTO – Trade in Services**, Brill (Full Name)

World Trade Organization, **Reforming the WTO: Toward More Democratic Governance and Decision-Making**, https://www.wto.org/English/forums_e/ngo_e/posp67_gaddafi_found_e.pdf

Zagel, Gudrun Monika. (2004) **The WTO and Trade-Related Human Rights Measures Trade Sanctions vs. Trade Incentives** "Austrian Review of International and European Law (9), pp119-160.